اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**خوب راجع به روایات باب مضاربه بحث شد انما الکلام می‌رسد به مقام دلالت که آیا بر مساله‌ی فضولی دلالت می‌کند یا به قول مرحوم شیخ بالاخیر اگر دلالت نکرد تایید می‌کند یا نمی‌کند ، این بحث را ما به ذهنمان آمد که حالا مادام که داریم در حدیث بحث می‌کنیم مجموعه‌ی احادیثی را که مرحوم شیخ گفتند بیاوریم بعد یکی یکی بحث‌های فقهی‌اش را بگذاریم بعد حالا که دنبال حدیث افتادیم کار به نحو حدیثی انجام بگیرد .**

**این باب یک باب مضاربه که چند تا حدیثش را خواندیم گفتیم بقیه‌اش را نمی‌خوانیم این حدیث یازده همین باب اگر جسارت نیست بیاورید از کتاب ابواب مضاربه‌ی مرحوم صاحب وسائل باب یک حدیث شماره‌ی 11 آنجا هم یک نکته‌ای داشت دیدم که بهتر این است که آن نکته را هم متعرض بشویم .**

**یکی از حضار : عنه عن ابی جعفر**

**آیت الله مددی : عنه برمی‌گردد به ابن سماعة ، عرض کردم حسن بن محمد بن سماعة که یکی از فقهای بزرگ واقفیه است مرد ملایی هم هست انصافا لکن خیلی کان یعاند فی الوقف ، یعاند فی الوقف را معنا کردند گفتند کسانی بودند در واقفیه نسبت به ائمه‌ی متاخر بعد از حضرت موسی بن جعفر بلا نسبت اهانت می‌کردند ، یک عده‌ای بودند می‌گفتند نه می‌گفتند اینها مثلا مردمان خوبی هستند خیال می‌کنند که مثلا امام زنده است ، امام فوت کرده است ، حضرت رضا آدم خوبی است فقیه ، ملا همه‌ی جهات لکن اشتباه می‌کند می‌گوید پدرم فوت کرده است . یک عده این جوری به اصطلاح بودند یک عده نه بلا نسبت به قرینه‌ی مقابله معلوم می‌شود .**

**علی ای حال و روایات ایشان و حمید ، حمید که فکر می‌کنم اصلا در کتب صدوق نیامده باشد به ذهنم می‌آید در صدوق از حمید بن زیاد نقل نکرده باشد . روایات حمید ، حمید از ایشان زیاد نقل می‌کند ، این در کافی زیاد است . عرض کردیم مرحوم کلینی سفری به عراق داشته به کوفه ، کربلا و اینها داشته و به بغداد و از مشایخ آنجا هم نقل کرده اما نقلش کم است یکی از مشایخی که ایشان در ، چون حمید در خواب می‌بیند که در کربلا دفن می‌شود کوفه را ترک می‌کند می‌آید ساکن کربلا می‌شود تا در آنجا وفات کند و عرض کردیم کرارا مرارا حمید آخرین شخصی است که ما از فقهای فطحیه می‌شناسیم . سیصد و ده بودند بعدش واقفیه معذرت می‌خواهم بعضی واقفی‌ها بودند اما به شخصیت حمید نیست .**

**آن وقت مرحوم شیخ طوسی این آثار را از کلینی نقل می‌کند آثار حمید ، اضافه‌ی بر او خودش هم از آثار ابن سماعة نقل می‌کند آن استقصائی که ایشان فرمودند غیر از اینکه ایشان توسط کلینی از حمید از ابن سماعة نقل می‌کند، حسن بن محمد بن سماعة از ایشان نقل می‌کند مستقلا هم نقل می‌کند و لذا در کتاب شریف تهذیب در مشیخه می‌گوید وما کان عن نفس سماعة یک طریق دیگری می‌آورد که آثار ابن سماعة را نقل می‌کند .**

**به هر حال آثار ابن سماعة جزو آثار معروف واقفی‌هاست و انصافا مثل مرحوم شیخ صدوق احتراز داشتند از نقل آثار ایشان به هر حال یکی از آن روایاتی که ایشان مستقلا از کتاب ابن سماعة نقل می‌کند و از کافی نیست یکی این است و عنه این ضمیر برمی‌گردد به حسن بن محمد بن سماعة و عنه عن ابی جعفر فعلا نتوانستیم ابو جعفر را درست و دقیق تشخیص بدهیم چون به هر حال ابن سماعة میراثش میراث کوفی است یعنی حدیث کلا از میراث کوفی است ، میراث واقفی‌ها ، میراث کوفی واقفی‌ها جزو این جهت است . فعلا در این طبقه‌ای که استاد ایشان باشد ابو جعفر را فعلا من البته تحقیق و تتبع خاصی هم نکردم اما فعلا به نتیجه‌ای نرسیدیم .**

**وابی شعیب ، ابی شعیب محاملی ثقه است ایشان محاملی بازاری بود که به اصطلاح منطقه‌ای بود که به اصطلاح محمل شتر و اینها درست می‌کردند ایشان منسوب به آنجاست یا کارش همین بوده کار شغلش ساختن محمل شتر بوده است . عن ابی شعیب بعد بفرمایید**

**یکی از حضار : عن ابی جمیلة**

**آیت الله مددی : این ابی جمیلة ضعیف است این صاحب کتاب است لکن چون دو نفر از او نقل کردند شاید از این جهت به او اعتماد کردند مفضل بن صالح بفرمایید . حالا این ابو جمیلة غیر از حالا اینکه ظاهرا تضعیف شده توسط نجاشی غیر از آن جهت بیاع الجواری هم هست آن منخل بن جمیل است ببخشید با ایشان اشتباه شد . بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن زید الشحام عن ابی عبدالله علیه السلام .**

**آیت الله مددی : پس این میراث جزو میراث خط غلو است اصلش یعنی ابو جمیله باشد لکن واقفی‌ها شاید ابن سماعة روی این دو نفر به خاطر این که دو نفر نقل کردند اعتماد کرد اجمالا می‌شود تشخیص اجمالی داد چون خود ابو شعیب کتابش معروف بوده تا حدی احتمالا کتاب ابو شعیب باشد احتمالش هست ابو جمیلة هم باشد . بفرمایید .**

**یکی از حضار : استاد عناد در وقف که فرمودید به این معناست در کجا به این نحو معنا کردند که عناد در وقف یعنی دشمنی با آن نحو با اهلبیت است ؟**

**آیت الله مددی : عرض کنم یک کتابی است منسوب به شیخ مفید به نظرم العیون والمحاسن یا الفصول المختارة ، شیخ مفید در آنجا دارد .**

**علی ای حال در آن جا این مطلب را نقل می‌کند نه عنوان عناد که اصولا واقفیه دو جور بودند و بعد هم نجاشی دارد که از قول کسی که می‌گوید مسجد کوفه بودم ابن سماعة هم بود یک نفر سنی آنجا بود ما نشسته بودیم گفت یک شخصی است در سامراء یعرف بابی الحسن علی بن محمد الهادی معلوم شد سنی بوده و این یک روزی ما نشسته بودیم و یکی از این سرلشکرها به حساب قائد عسکری رد می‌شد و کذا و حضرت فرمود این خیلی به خودش تکبر دارد این تا فردا عمرش بیشتر نیست آن وقت آن سنی می‌گوید ما گفتیم این علم غیب است چرا ادعای چنین چیزی می‌کند تصمیم گرفتیم که اگر این تا فردا نمرد آن ابوالحسن هادی را بکشیم و این را نجاشی نقل می‌کند بعد این صبح نمی‌دانم مست کرده بود و افتاد در چه چیزی چاه افتاد چه افتاد مرد به هر حال ، بعد می‌گوید که یعنی یک سنی حالا خیلی عجیب است . بعد می‌گوید ابن سماعة بلند شد و انکار کرد و گفت این بیخود است یعنی ملتفت می‌شوید ؟ این یعاند فی الوقف هم نجاشی برایش دلیل می‌آورد .**

**یکی از حضار : توهین هم کرد یا فقط ؟**

**آیت الله مددی : نه انکار کرد و گفت این بیخودی است چون او را امام نمی‌دانست می‌گوید مدعی امامت است وقتی ، دقت می‌کنید؟ آن هم حالا سنی نقل کند تعجب آور است خیلی باید آدم خاصی باشد کله شقه‌های خاصی دارد حالا تعبیر کله شق یک سنی دارد نقل می‌کند چیزی نیست که میگوید مع ذلک قبول نکرد گفت این حرف بیهوده و بیخودی است .**

**علی ای حال این نکته‌ای است که فرمودند شرحش اجمالا .**

**ابو شعیب یک نکته‌ای نمی‌دانم این قاموس الرجال یک وقتی در این برنامه‌ها نبود هست الان قاموس ؟ در این برنامه‌های کامپیوتری هست ؟**

**یکی از حضار : بله .**

**آیت الله مددی : این جلد یازده ابو شعیب را بیاورید چون من می‌خواستم بیشتر این نکته را بگویم . جلد یازده ابو شعیب محاملی و ابو شعیب تنها . در جلد یازده ایشان در قاموس متعرض احوال ایشان شده است . چون یک نکته‌ای است لطیف است یک کمی توضیح بدهیم .**

**یکی از حضار : این ابی جعفر نرم افزار احتمال می‌دهد که ابو زائد باشد جعفر بن محمد سماعة باشد نظر شما احتمالا ؟**

**آیت الله مددی : بعید است جعفر ابو جعفر باشد ، یک جای دیگر دارند جعفر ، چرا جعفر بن محمد ، جعفر بن سماعة معلوم نیست برادرش باشد احتمالا عمویش باشد . آن هم یک بحثی دارد .**

**یکی از حضار : خود تهذیب جعفر دارد .**

**آیت الله مددی : اگر جعفر دارد همان عمویش جعفر بن سماعة است اگر جعفر دارد اما در وسائل ابو جعفر دارد نیست ؟**

**یکی از حضار : در وسائل ابو جعفر است در تهذیب جعفر است .**

**آیت الله مددی : ها اگر جعفر باشد و لذا من یک سیری امروز در مشایخ ابن سماعة کردم نتوانستم یک ابو جعفری پیدا بکنیم که به او بچسبد ، همین پس نسخه غلط است . جعفر باشد مشخص است ایشان از جعفر نقل می‌کند ، جعفر بن سماعة عموی ایشان اما در جعفر بن سماعة بحث هست که برادرش یا عمویش دیگر حالا آن بحث رجالی است دیگر خودتان .**

**علی ای کیف ما کان این بد نیست آن هم قابل قبول است . ابی شعیب را بیاورید در کتاب قاموس .**

**یکی از حضار : ابو شعیب کناسی دارد و یا محاملی ؟**

**آیت الله مددی : نه محاملی .**

**یکی از حضار : قال عده الشیخ فی رجاله فی اصحاب الکاظم علیه السلام قائلا ثقة وله فی الفهرسة و اینها بعد می‌گوید که**

**آیت الله مددی : نه فی الفهرست**

**یکی از حضار : له فی الفهرست الی ان قال عن العباس بن معروف عن ابی شعیب .**

**آیت الله مددی : این بدی قاموس چون ، البته بدی اش نیست چون کتابش کتاب رجالی است اجازات را حذف می‌کند هم از کتاب نجاشی هم از کتاب شیخ این که قال عرض کردم در کتاب قاموس وقتی می‌گوید قال مرادش مرحوم آقای مامقانی است چون کتاب قاموس حاشیه بر تنقیح المقال مرحوم مامقانی است چون از وقتی که تنقیح المقال در حوزه پخش شد تا همین اواخر معجم آقای خوئی بیشتر کتاب رجالی معروف حوزه تنقیح بود همین که همه در درس‌ها و بحث‌ها نقل می‌کردند تنقیح بود آن وقت مرحوم آقای تستری به حساب قاموس را نوشتند به عنوان انتقاد بر کتاب نقادی و حاشیه بر کتاب لذا حتی المقدور عبارات ایشان را اولا نقل می‌کنند یا یک مقدارش بعد هم شروع می‌کنند به اشکال کردن . اشکال علمی کار خوبی است کار مشکلی نیست اما ایشان گاه گاهی تند تعبیر می‌کند می‌گوید هذا اشتباه فی اشتباه ، اشتباه خیلی تعابیر تندی دارد .**

**به هر حال وارد این ، خوب نیست از این جهتش انصافا و اگر خود ایشان مستقلا یک کتاب می‌نوشتند به نظر من بهتر بود اصلا مستقلا، چون مرحوم آقای تستری انصافا با اینکه از حوزه دور بودند در شوشتر بودند اما تتبع ایشان خوب است ، شرح نهج البلاغه دارند معلوم است البته تتبع به اندازه‌ی همین شهر دور افتاده از حوزه دیگر مصادر محدودی در اختیار ایشان بوده اما تتبع ایشان خوب است . بفرمایید، مطالب دیگری هم هست که اگر فرصت دیگری شد بعد نقل می‌کنیم .**

**یکی از حضار : نقدا همان نجاشی ، قائلا کوفی ثقة من رجال ابی الحسن موسی علیه السلام ، وعنونه النجاشی فی الاسماء فی قوله صالح بن**

**آیت الله مددی : ببینید اولا ایشان روایت فهرست را کامل نیاورده عباس بن معروف ، عباس بن معروف از بزرگان قم است که مصادر اهل کوفه را به قم آورده است . عباس بن معروف ، خوب این برای فقط آخر اجازه را نقل کرده است بعد می‌گوید و عنونه النجاشی بفرمایید**

**یکی از حضار : بله قائلا کوفی ثقة من رجال ابی ال حسن موسی علیه السلام وعنونه النجاشی فی الاسماء فی قوله صالح بن حماد محاملی**

**آیت الله مددی : صالح بن خالد .**

**یکی از حضار : صالح بن خالد محاملی ابو شعیب کناسی مولی علی بن حکم بن زبیر مولی بنی اسد . اقول وان قال النجاشی له هنا**

**آیت الله مددی : ببینید مرحوم نجاشی دو بار اسم ایشان را آورده است ، من سابقا عرض کردم در کتاب رجال شیخ طوسی تکرار خیلی زیاد است ، افراد را به اسماء مختلف در رجال برقی تکرار خیلی کم است ، البته این کتاب رجال نیست طبقات است یک شرحی دارد که حالا جایش این جا نیست اما در رجال شیخ طوسی تکرار خیلی زیاد است . در فهرست شیخ هم تکرار خیلی کم است چند مورد در فهرست نجاشی هم تکرار خیلی کم است . دارد تکرار دارد . اینجا شیخ تکرار ندارد ، نجاشی تکرار دارد ، یعنی نجاشی یک بار ایشان را در صالح بن خالد مطرح کرده است در اسماء چون اصطلاحا می‌دانید کتب رجال این طوری است اولش اسماء است اواخرش کنی است بعد هم غالبا نساء ، ترتیب کتب رجال این طوری است دوباره در کنی هم اسم ایشان را مطرح کرده است . دقت کردید ؟**

**مرحوم تستری می‌خواهد اشکال بکند که چرا نجاشی دو بار مطرح کرده است این نکته‌ی فنی تمامش این است چرا یک جا در صالح بن خالد آن را آورده و یک جا هم در ابو شعیب محاملی اسم ایشان چرا تکرار کرده است . حالا بخوانید اقول این اقول اشکالات مرحوم قاموس است یعنی کلمات خود صاحب قاموس است مرحوم آقای تستری بفرمایید .**

**یکی از حضار : وعنوان النجاشی له هنا غفلة عن عنوانه فی الاسماء**

**آیت الله مددی : دقت کردید چه شد ؟ حمله می‌کند به نجاشی که نجاشی ملتفت نشده غفلت کرده یادش رفته که در اسماء اسم این شخص را آورده .**

**یکی از حضار : الیس دعه العنوان فی البابین کما ان عنوان الشیخ فی الفهرست له هنا دلیل علی انه لم یتفطن لاسمه .**

**آیت الله مددی : اما از آن طرف هم شیخ چرا در اسماء فقط در کنی آورده گفته ابو شعیب نگفته صالح بن خالد معلوم می‌شود شیخ ملتفت نبوده که این ابو شعیب همان صالح بن خالد است . دقت کردید ؟**

**البته مرحوم آقای تستری نکات لطیف دارد از این قبیل دارد اما خوب دیگر به هر حال اگر حوزه نبود من جور دیگر تصور می‌کنم . اولا ایشان تصورشان رجالی است تصور فهرستی نیست ، دقت کنید این تکرار ما این متعارف است عرض کردم این فرض کنید در کتاب کلینی می‌گوییم احمد بن ادریس عن فلان مثلا محمد بن ، می‌گوییم ابو علی اشعری عن محمد بن ، بعد می‌گویند احمد بن ادریس و ابو علی اشعری واحد خوب این هست دیگر یک شخص با دو عنوان هست با کنی هست با اسم هست تصادفا در کتب اربعه این حسن به سماعة، ابن سماعة هم از صالح بن خالد حدیث نقل می‌کند هم ابی شعیب ، از هر دو یعنی هم با کنیه‌ی ایشان هم با اسم ایشان از هر دو نقل می‌کند .**

**آن وقت این یک نکته‌ای را که ما هدفمان اساسی این است تکرار اسم و اتحاد اسم در رجال یک خصلت رجالی دارد یعنی نکته‌ی رجالی است که اینها متحدند یکی هستند یا دو تا هستند و این اصلش آن است طبعا یک فواید جنبی هم دارد مثلا چرا یک جا گفت ابو علی اشعری یک جا گفت مثلا احمد بن ادریس ممکن است اینجا از کتاب صفوان باشد این جا از کتاب مثلا محمد بن عبدالجبار ، دقت می‌کنید این جنبه‌های ثانوی قصه است .**

**مثلا همین ابن سماعة خیلی زیاد این واقفی معروف از محمد بن زیاد نقل می‌کند به نظرم آقای خوئی نوشتند 65 مورد ، عرض کردم تعداد ارقامی را که آقای خوئی می‌نویسند خیلی دقیق نیست مکررات را حساب نکردند این کتاب ایشان حالا در این برنامه‌های حدیثی به نظرم دقت بیشتری شده است ، نیست ؟ برنامه‌های کامپیوتری در عدد احادیث ، غرض عدد احادیثی که در معجم آمده خیلی قابل اعتماد نیست . و سرش هم این است که تکرار دارد دیگر ایشان مثلا تهذیب و استبصار را یکی گرفته اما در کافی با تهذیب دو تا گرفته با اینکه حدیث یکی است ، حدیث واحد این کار را ایشان دارد یعنی این عدد دقیق نیست به این معنا مکررات را حساب نکرده مثلا کافی را گرفته تهذیب را هم گرفته حالا حدیث واحد هم از یک متنی از یک سند در دو تا این را دو تا زده دو رقم حساب کرده در صورتی که یکی است دو تا نیست .**

**علی ای حال غیر از این عدد 65 که الان در کتاب مرحوم استاد آمده که به هر حال حدودش زیاد است من زیاد دیدم ، خوب از آن طرف هم از ابن ابی عمیر نقل می‌کند ، محمد بن زیاد همان ابن ابی عمیر است . یعنی بعبارة اخری پدر ایشان ابو عمیر اسمش زیاد است ، اسمش زیاد است کنیه‌اش ابو عمیر است . محمد بن ابی عمیر ، محمد بن زیاد من دیدم چون چاپ شده آقایانی که حالا خواستند بحث رجالی کنند خصوصا همین سند‌هایی که درش محمد بن زیاد است گفتند محمد بن زیاد مجهول ملتفت نشدند که ایشان از اجلاء طائفه است .**

**حالا به هر حال آن وقت اینها نکات ثانوی هم دارد ، مثلا آیا واقعا چون ایشان واقفی بوده می‌خواسته اسم ابن ابی عمیر را نبرد چون ابن ابی عمیر به این اسم بین شیعه خیلی معروف است در کتب ما غالبا مثلا احمد بن محمد بن عیسی و حسین بن سعید از ابن ابی عمیر در بین شیعه بیشتر به اسم ابن ابی عمیر معروف است نکته‌اش این بوده نکته‌ی دیگری بوده ما این‌ها را الان نمی‌دانیم خوب دقت کنید ، نکات ثانوی وثالثی و رابعی را فعلا نمی‌دانیم .**

**چرا این واقفی بیشتر شاید چهار پنج تا روایت باشد ابن ابی عمیر بیشترین روایت ایشان محمد بن زیاد است دقت کردید ؟ پس تکرار در کتب رجال و اسانید وجود دارد و این تکرار نکته‌ی اولش خوب می‌گویند یکی است این نکته‌ی اولش اما نکته‌ی ثانوی که چرا این تعبیر کرده چرا آن تعبیر کرده این ممکن است مثلا همین روایت دیروز که از احمد بن محمد خواندیم در یک جا آمده احمد بن محمد بن عیسی یک جا آمده احمد بن محمد این دو تا یکی هستند . شاید نکته‌اش اختلاف مصدر باشد این ها نکات ثانویه است دقت می‌کنید که دیروز توضیح دادیم .**

**اما در فهارس خوب دقت کنید اگر تکرار در فهارس شد این نکته‌اش نیست ، مرحوم آقای تستری رجالی غفلت هم نیست اشتباه هم نیست نه غفلت است نه سهو است نه اشتباه است ایشان چون آشنا نبودند با بحث‌های فهرستی در باب کتب فهارس وقتی اسمی برده می‌شود خوب دقت کنید به حسب آن اجازه‌ای که داده شده حساب می‌کنند .**

**مثلا مرحوم شیخ کتابی که در نزدش بوده اجازه‌ای که داشته کتاب ابی شعیب المحاملی ، اما نسخه‌ای نداشته درش باشد کتاب صالح بن خالد ، دقت کردید ؟ ملتفت شدید ؟ لذا ایشان در فهرست اسم کتاب را به همان عنوانی که در اجازه است نمی‌دانم نکته‌ی فنی دقت کردید این که ایشان می‌گوید غفلت نه غفلت نیست ، شان شیخ اجل است . حالا خود نجاشی را بخوانید تا معلوم بشود . نجاشی هم در صالح بن یعنی در حقیقت نجاشی دو اجازه داشته در یکی‌اش صالح بن خالد بود در یکی ابی شعیب بوده است . سهو هم نکرده اشتباه هم نکرده حالا صالح بن خالد را بخوانید در کتاب نجاشی ، این ظرافت‌ها را نمی‌دانم اصلا چون اینها روی فهارس و اجازات کار نکردن این نکاتی را که در بین طائفه کاملا موثر بوده بحث‌های فهرستی در بین شیعه کاملا موثر بوده عبارت نجاشی را بخوانید صالح بن خالد .**

**یکی از حضار : صالح بن خالد محاملی ابو شعیب کناسی**

**آیت الله مددی : ببینید صالح بن خالد محاملی ، ابو شعیب کناسی . همین که این دیده ابو شعیب کناسی احتمال داده این غیر از ابو شعیب محاملی باشد .**

**یکی از حضار : نجاشی احتمال داده ؟**

**آیت الله مددی : بله . چون در چیز ابو شعیب المحاملی . نمی‌دانم دقت می‌کنید ؟**

**یکی از حضار : بعد آن جای دیگر ابو شعیب محاملی نوشته نجاشی .**

**آیت الله مددی : در کنی دارد ، خیلی ظریف است انصافا این نیست که آقای شیخ محمد تقی من خدای نکرده اهانت به ایشان نشود ها مرد بسیار بزرگواری است خیلی زحمت کشیده است انصافا به لحاظ تقوا هنوز هم می‌گویند در آن مناطق به سر ایشان قسم می‌خورند واقعا مرد فوق العاده‌ای است در زهد و ورع و تقوا و زحماتی که کشیدند دقت کردید چه شد چقدر دقیق است ؟**

**یعنی نجاشی در اجازه‌ای که داشته در یکی داشته صالح بن خالد ابو شعیب الکناسی ، در یکی داشته کتاب ابو شعیب المحاملی ببینید شیخ هم فقط کتاب ابی شعیب ، اجازه‌اش ابی شعیب المحاملی بوده است .**

**یکی از حضار : الان شیخ هم اجازه داشته**

**آیت الله مددی : بله خوب اجازه داشتند . الان می‌خوانیم دقت می‌کنید .**

**این نشان می‌دهد که واقعا دقت عجیبی را ، من همیشه عرض می‌کنم مرحوم نجاشی ظرافت‌های عجیبی دارد واقعا اگر این مطالبی که به ذهن این حقیر رسیده راست باشد خوب خیلی دقت است دیگر انصافا حالا بخوانید ابو شعیب الکناسی بفرمایید .**

**یکی از حضار : ابو شعیب الکناسی مولی علی بن حکم بن زبیر مولی بنی اسد روی عن ابی الحسن موسی علیه السلام له کتاب یروی عنه جماعة منهم عباس بن معروف اخبرنا عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن یحیی قال**

**آیت الله مددی : ایشان از طریق احمد بن محمد بن یحیی از چند تا از مشایخ بغداد نقل می‌کند، چون عرض کردیم محمد بن یحیی که استاد کلینی است بسیار بزرگوار است پسر ایشان احمد توثیق ندارد آن در بحث اولی که آقایان تشریف داشتند عرض کردیم مرحوم شهید ثانی که توثیق مشایخ را مطرح کرد یکی‌اش همین بود هدف این بود چون این احمد پسر محمد بن یحیی در نجاشی هم هست در جای دیگری هم هست توثیق ندارد اما جزو شیوخ حدیث است لذا شهید ثانی گفت ایشان ثقه است آن نکته‌ای را که در درس اول آقایان تشریف داشتند ایشان از راه، یکی از راه‌هایی که نجاشی و شیخ به قم می‌روند همین احمد است .**

**یکی از حضار : ولد العالم بوده است دیگر .**

**آیت الله مددی : اها از باب ولد العالم نصف العالم .**

**یکی از حضار : کتاب‌های پدرش را آورده**

**آیت الله مددی : ای کاش کتاب‌های پدرش بوده کتاب‌های غیر از پدرش را هم آورده است . مشکل فقط**

**یکی از حضار : کتابخانه‌ی پدرش را آورده است .**

**آیت الله مددی : اها احتمالا کتابخانه‌ی پدرش بوده است .**

**یکی از حضار : وقتی بابا فوت می‌کند او هم می‌دهد مرجع بعدی دیگر**

**آیت الله مددی : بله ، دقت کردید ؟**

**پس حدیث را سند را اجازه را دقت فرمودید مرحوم نجاشی که بغدادی است از مشایخ بغداد و عرض کردیم این مشایخی که ایشان می‌گویند مثل مرحوم حسین بن عبید الله غضائری ، ابن غضائری از مشایخ است اینها از احمد نقل می‌کنند . این راه اتصال نجاشی و شیخ به قم است ، راه اتصال این ها به قم است ، یعنی از بغداد رفتند به قم یعنی با اینکه ایشان کوفی است رفتند به قم عن احمد بن محمد بن یحیی بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا عبدالله بن جعفر**

**آیت الله مددی : ببینید این پدرش نیست ، عبدالله بن جعفر حمیری ، فرمودید آثار پدرش را نقل کرده آثار سعد را هم نقل می‌کند همان حدیث رفع معروف را هم همین احمد از سعد نقل می‌کند، حدیث رفع 9 تایی .**

**عرض کنم به این که احمد بن محمد بن یحیی از کتاب عبدالله بن جعفر حمیری که از مشایخ بسیار بزگوار قم است بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا احمد بن محمد بن عیسی**

**آیت الله مددی : که خوب دیگر این جلالتش ، ببینید سند همه قمی هستند ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا عباس بن معروف**

**آیت الله مددی : ایشان هم قمی است . ایشان راوی کوفه است . یعنی تاریخ کاملا و نجاشی هم تایید کرد که رواه جماعة منهم عباس بن معروف یعنی اگر گفتیم این حدیث از کتاب ابو شعیب محاملی است بعید نیست روشن شد ؟ وقتی اجازه را نگاه می‌کنیم اولی و دومی بغدادی هستند مشایخ ایشان در بغداد احمد و بعد عبدالله بن جعفر و احمد اشعری و عباس بن معروف همه قمی هستند ایشان به کوفه رفته این کتاب را نقل کرده به عنوان کتاب صالح بن خالد ابو شعیب الکناسی ، حالا در خود ابو شعیب المحاملی در خود نجاشی بیاورید.**

**یکی از حضار : ابو شعیب المحاملی کوفی ثقة من رجال ابی الحسن موسی علیه السلام مولی علی بن حکم بن زبیر انباری له کتاب اخبرنا حسین بن عبیدالله**

**آیت الله مددی : اینجا فقط خصوص حسین بن عبیدالله را نقل کرده است . آن جا گفت جماعة ، حسین بن عبید الله از ؟**

**یکی از حضار : حدثنا حسین بن علی بن سفیان**

**آیت الله مددی : این حسین بن علی بن سفیان از مشایخ بغداد است . بسیار جلیل القدر است به حساب معروف به بزوفری ، ایشان در بغداد یک سفری احمد بن ادریس می‌آید حج از احمد بن ادریس نقل می‌کند و یاد می‌آید در فهرست شیخ نیست در فهرست نجاشی هست یعنی یک چیز تصادفی است به اصطلاح دقت کردید آن جا دیدید مصدر را ؟**

**یکی از حضار : اصلا دو تا مصدر است .**

**آیت الله مددی : لکن نجاشی نظرش این است که یکی هستند ، نظرش یکی است . لکن احتیاط کرده دو جا نقل کرده است . این فایده‌ی درس امروز بود .**

**یکی از حضار : از کجا فهمیده است ؟**

**آیت الله مددی : آن جا هم گفته ابو شعیب کناسی صالح بن خالد ، بعد چه می‌گوید آقا بفرمایید ؟ بعد مولی علی بن الحکم ، روی عن ابی الحسن واضح است یکی است اما احتیاط کرده دقت کردید چه شد ؟ ایشان می‌خواهد بگوید در یک اجازه‌ای که مشایخ بغداد دادند صالح بن خالد اسمش آمده است لکن در اجازه‌ای که مرحوم ابن غضائری فقط به من داده است ، ابن غضائری به شیخ هم داده آنجا ابو شعیب المحاملی ، شیخ هم فقط ابو شعیب المحاملی نقل کرده است . نمی‌دانم دقت کردید ؟**

**البته از این جور تکرار ها در نجاشی هست اما کم است ها خیلی زیاد نیست . شاید ارزش داشت ما نیم ساعت صحبت کنیم ، برای آشنایی با کار فهرستی که من عرض می‌کنم و دقت‌هایی که اصحاب ما یعنی واقعا چقدر خون دل خوردند و دقت و مراعات نکات کردند، بله بفرمایید عن حسین بن علی بن سفیان**

**یکی از حضار : قال حدثنا احمد بن ادریس .**

**آیت الله مددی : ببینید احمد بن ادریس اصولا قمی است استاد کلینی است دیگر ایشان ، یک جای دیگر دارد که ایشان سفر حج بودند حسین بن ، و الا حسین بن علی بن سفیان به قم نیامده است . در این سفری که ایشان آمده از راه بغداد برود به طرف حج ایشان از او اجازه گرفته از اینجا وارد قم می‌شود آن جا عبدالله بن جعفر حمیری بود اینجا احمد بن ادریس ، بعد ؟**

**یکی از حضار : عن محمد بن عبدالجبار**

**آیت الله مددی : عوض شد کلا ، بعد ؟**

**یکی از حضار : عن عباس بن معروف .**

**آیت الله مددی : یعنی معلوم شد طرق همان عباس بن معروف نجاشی که له کتاب دقت کردید رسید به قم معلوم می‌شود کتاب در قم کاملا معروف بوده و به اسم نسخه‌ی عباس بن معروف . طریق شیخ را هم بخوانید فهرست شیخ ، مرحوم شیخ طوسی از اول ابوالعباس .**

**یکی از حضار : ابو شعیب المحاملی له کتاب اخبرنا ابن ابی جید .**

**آیت الله مددی : ببینید رفت به ابن الولید ، چون ابن ابی جید بعدش ابن الولید است .**

**یکی از حضار : عن ابن الولید عن محمد بن حسن صفار**

**آیت الله مددی : ببینید صفار ، صفار فکر می‌کنم درش احمد افتاده باشد این سند یک کمی افتادگی دارد ، روشن شد آقا این ؟**

**سه تا اجازه است ، نمی‌دانم روشن شد ؟ سه تا اجازه مشایخ این چون این سنخ بحث تا حالا نشده چون من هم از مشایخ نجاشی جزو کارهای ماست ، سه تا نکته است در کتاب ابن الولید ابی شعیب المحاملی بوده در نسخه‌ای که ابن غضائری اجازه دادند از احمد بن ادریس آنجا هم ابی شعیب المحاملی بوده ، در آن نسخه‌ای که از طریق احمد رفته ، احمد بن محمد بن یحیی ، صالح بن خالد ابی شعیب الکناسی بوده است . یا کناسی کناسه‌ی کوفه دیگر من خسته شدم . و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**